

امر به معروف و نهی از منکر در قرآن

قدسیه سادات هاشمی دولابی
کارشناس ارشد فلسفه و حکمت اسلامی
و مربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین پیشوا



چکیده

بدون شک هیچ مکتب و آیینی به اندازه اسلام برای فریضه «امر به معروف» و «نهی از منکر» اهمیت ویژه قائل نیست. تسا جایی که «امر به معروف» و «نهی از منکر» را زیر بنای عرصه‌های اجتماعی، اخلاقی، مذهبی، اعتقادی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و غیره می‌داند. اسلام این دو حکم بزرگ الهی را در ردیف واجبات قرار می‌دهد و بر مسلمانان فرض می‌داند که با تشکیل هسته‌های اجرایی در راستای پیاده کردن این عمل زیربنایی و سازنده جامعه از هیچ کوششی دریغ نورزند و نگذارند که گرد و غبار فراموشی بر چهره آن بنشیند. هدف از نگارش مقاله، آشنایی با جایگاه «امر به معروف» و «نهی از منکر» در قرآن و اقسام و مراتب و شرایط و شناخت و ابزار آن است.

کلیدواژه‌ها: امر، نهی، معروف، منکر.

مقدمه

«امر به معروف» و «نهی از منکر» یکی از اصول عملی اسلام است و جزء بالاترین و شریف‌ترین فرائض اسلام است. «امر به معروف» کلید خوبیهاست و ماهیت نیکی و نیک‌آوری است و «نهی از منکر» چراغ تابنده‌ای است که ماهیت نیکی و ضد پلیدی دارد.

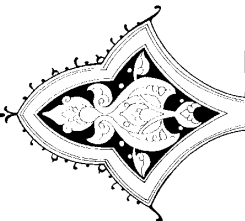
«نهی از منکر» بارش قطرات زلال باران بر سرزمین جان گنهکار است که شعله‌های معصیت را خاموش می‌سازد و به گسترش تیرگیهای قلبش پایان می‌بخشد و چنین ویژگیهایی است که این دو فریضه نورانی را بر سایر فرائض امتیازی بزرگ بخشیده است. زیرا در قرآن مجید و اخبار نبوی(ص)

و آثار ائمه طاهریین(ع) و کلام بزرگان و علمای دین و در مکتب فقهی با صراحت و تأکید آمده و مورد بحث و گفتگو و تحقیق قرار گرفته است.

جایگاه «امر به معروف» و «نهی از منکر»

الف) جایگاه «امر به معروف» و «نهی از منکر» در مکتب اسلام

ارزش و اهمیتی که در مکتب مقدس اسلام به «امر به معروف» و «نهی از منکر» داده شده است و انسان را مسئول یکدیگر و نیز مسئول دین خویش دانسته است، در دیگر ادیان و مکاتب، یا وجود ندارد و یا چنان اهمیتی



برایش قائل نشده‌اند.

در بین اصول اسلامی نیز از جایگاه رفیع و بلند مرتبه‌ای برخوردار است و مورد توجه و عنایت ویژه حق تعالی و پیشوایان دینی (ع) می‌باشد:

۱. «امر به معروف» و «نهی از منکر» از برترین و والاترین فرائض الهی است.

۲. «امر به معروف» و «نهی از منکر» راه انبیا و سیره صالحان است.

۳. «امر به معروف» و «نهی از منکر» از صفات مؤمنان و در ردیف ایمان به خداوند، نماز و زکات قرار دارد.

«...تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...» (۱)

۴. نگهدارنده دین و پاسدار ارزشهای مکتبی است.

«بها تقام الفرائض...».

واجبات دینی، به وسیله «امر به معروف» و «نهی از منکر» عملی می‌شوند.

۵. بهترین فرد و بهترین امت، آنان هستند که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (۲) و غیره. (۳)

ب) جایگاه «امر به معروف» و «نهی از منکر» در جامعه اسلامی (بعد تاریخی)

در جامعه اسلامی - از صدر اسلام - پیامبر گرامی اسلام (ص) و یاران و اصحاب ایشان و نیز پیشوایان معصوم (ع) از «امر به معروف» و «نهی از منکر» در جهت پاسداری از اصول مکتب، به مثابه مؤثرترین ابزار و تکلیف الهی، بهره گرفته‌اند، مسلمانان آن را وظیفه الهی خود دانسته و به اجرای این فریضه بزرگ پایبند بوده و اهمیت خاصی برای آن قائل بوده‌اند.

این کار به صورت یک جریان عمومی و بدون ضوابط تشکیلاتی انجام می‌گرفت تا اینکه در قرن سوم و چهارم قمری، تشکیلات ویژه‌ای که عهده‌دار «امر به معروف» و «نهی از منکر» بود، تأسیس گردید که «دایره حسبه» نامیده می‌شد. تاریخ دقیقی از آغاز این تشکیلات در دست نیست.

شهید مطهری در این باره اظهار داشته‌اند:

«در حدود هزار سال پیش، تقریباً این اصل (۴) در جامعه اسلامی و حکومت اسلامی دایر و تشکیلاتی به وجود آورده که در تاریخ اسلام، آن دایره، «دایره حسبه» یا «احتساب» نامیده می‌شود و قرن‌ها ادامه یافت. من تاریخ پیدایش «دایره

حسبه» را نمی‌دانم (۵) که از چه زمانی پیدا شده و به این نام، نامیده شده، ولی قدر مسلم این است و شواهد تاریخی دلالت می‌کند که در قرن چهارم قمری بوده است و علی‌الظاهر در قرن سوم قمری پیدا شده باشد. این دایره به عنوان «امر به معروف» و «نهی از منکر» درست شده و پایه دینی داشته است و از شئون حکومت بوده است.» (۶)

معنای «امر به معروف» و «نهی از منکر»

الف) «امر» و «نهی» از نظر لغت

«امر» دارای دو معنی است:

۱. به معنای کار و چیز، در این معنا، به صورت «امور»

جمع بسته می‌شود و فعل و صفت از آن مشتق نمی‌گردد. در آیاتی از قرآن به همین معنی استعمال شده است مانند:

«...وَسَاوِرُهُمْ فِي الْأُمُورِ...» (۷) «در کارها با آنان مشورت

کن.»

«...وَأَلَى اللَّهِ تَرْجِعُ الْأُمُورُ...» (۸) «همه کارها به خدا بازمی‌گردد.»

۲. به معنای دستور و فرمان، برانگیختن به چیزی، اگر به این معنا باشد، جمع آن «أوامر» است. و فعل (مانند: امر یا امر...) و صفت (مانند امر و مأمور...) از آن مشتق می‌گردد

و در آیاتی از قرآن در این معنی استعمال شده است مانند:

«قُلْ أَمْرٌ رَبِّي بِالْقِسْطِ...» (۹) «بگو، پروردگرم به قسط و

عدل فرمان داده است.»

«...أَمْرًا إِلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ...» (۱۰) «خداوند فرمان داده

است که جز او را نپرستید.»

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...» (۱۱) «همانا

خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانتها را به اهل آن

بازگردانید.»

و مقصود از کلمه «امر به معروف»، معنی دوم است.

«نهی» (۱۲) به معنی «بازداشتن و منع

کردن از چیزی» می‌باشد.

«وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى

النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ، فَلِإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ

الْمَأْوَىٰ...» (۱۳) «آن کسی که از مقام

پروردگارش بترسد و نفس خود را

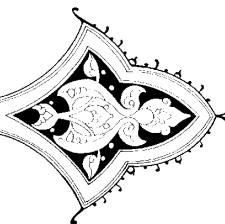
از هوا و هوس باز دارد، بهشت جایگاه

اوست.»

«...إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ

وَالْمُنْكَرِ...» (۱۴) «همانا نماز (انسان نمازگزار را)

از زشتیها و منکرات باز می‌دارد.»



«تاهی» از باب تفاعل، به معنای نهی کردن یکدیگر است.

«كَانُوا لَا يَتَّاهَوْنَ عَنِ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»؛ (۱۵) «آنها از اعمال زشتی که انجام می‌دادند، یکدیگر را نهی نمی‌کردند».

ب) «معروف» و «منکر» از نظر لغت

«معروف» در لغت به معنی «شناخته شده» از ماده «عرف» است.

«منکر» در لغت به معنی «ناشناس شده» از ماده «انکار» است.

به این ترتیب کارهای نیک، اموری شناخته شده و کارهای زشت و ناپسند، اموری ناشناس معرفی شده‌اند. زیرا فطرت پاک انسانی با دسته اول آشنا و با [گروه] دوم ناآشناست. (۱۶)

در مفردات راغب آمده است: «معروف» به عملی گفته می‌شود که از راه عقل یا شرع نیکویی‌اش شناخته شده باشد.

«منکر» به کارها یا عملی گفته می‌شود که به واسطه عقل یا شرع نیکویی‌اش انکار شده است. (۱۷)

طبرسی نیز مشابه همین تعریف را ذکر کرده است: مقصود از معروف همان «حق» است که عقل و شرع بدان فرا می‌خوانند، چون آن را صحیح می‌شناسد. برخلاف منکر که عقل و شرع از آن بیزارند، چرا که نمی‌توانند آن را صحیح بشمارند، پس هرچه را که بتوان صحیح و جایز شمرد، «معروف» و هرچه را که نتوان چنین معرفی

نسبت بدان پیدا کرد «منکر» است. (۱۸) در مجمع البحرین نیز «معروف» این‌گونه تفسیر شده است: «معروف» نام فراگیر برای هر چیزی است که مصداق اطاعت الهی و نزدیکی به خداوند است و نیکی به مردم شناخته شده باشد. (۱۹)

در قاموس قرآن آمده است: «معروف» کار یا گفتاری است (عمل) یا قول که شریعت آن را تصدیق کند و مطابق عقل و فطرت سالم باشد.

«منکر» نقطه مقابل معروف است، هرکاری که شرع آن را زشت و ناپسند بداند و مطابق با عقل و فطرت سالم نباشد. (۲۰)

این‌اثیر در نهایت می‌نویسد: «معروف» اسم جامعی است برای همه چیزهایی که از اطاعت و تقرب به خدا و احسان

به مردم شناخته می‌شود و هر چیزی که در شرع رجحان دارد. «منکر» ضد معروف است و هر چیزی که شرع آن را تقبیح کرده و مکروه شمرده است. (۲۱)

ج) معنای «امر به معروف» و «نهی از منکر» شهیدثانی (ره)، در توضیح مفهوم «امر به معروف» و «نهی از منکر» گفته است:

«الامر بالمعروف، هو المحل علی الطاعة قولاً أو فعلاً و النهی عن المنکر، هو المنع من فعل المعاصی قولاً أو فعلاً»؛ (۲۲)

«امر به معروف وادار کردن دیگران به پیروی از اوامر پروردگار است، زبانی باشد یا به عمل، و نهی از منکر، مانع شدن از انجام گناهان است، آن هم به زبان باشد یا به عمل».

میر شریف جرجانی در این مورد می‌نویسد:

«الامر بالمعروف هو الارشاد الی المرشد» (۲۳) المنجیه و النهی عن المنکر الزجر عما لا یلائم فی الشریعه و... قیل: الأمر بالمعروف امر بما یوافق الکتاب و السنه و النهی عن المنکر نهی مما تمیل الیه النفس و الشهود»؛ (۲۴)

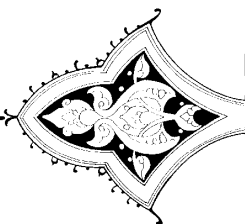
«امر به معروف، ارشاد و راهنمایی به راه‌های نجات‌بخش است و نهی از منکر بازداشتن از اموری است که با شریعت سازگاری ندارد و... گفته‌اند امر به معروف، امر و فرمان است به آنچه مطابق کتاب و سنت است و نهی از منکر بازداشتن از چیزهایی است که نفس و شهوت به آن تمایل دارند».

نکته قابل توجه اینکه آیا، منکر، در شریعت، فقط بر «معاصی و گناهان» اطلاق می‌گردد و یا علاوه بر معاصی، شامل «مکروهات» نیز می‌شود، در فقه، محل بحث و گفتگو واقع شده است، بنابراین تعریفی که از شهیدثانی (ره) در مورد «منکر»، ذکر گردیده، تصریح دارد که «منکر» فقط بر معاصی و گناهان گفته می‌شود و به عبارت صحیح‌تر، مراد از «منکر» در شریعت، همان معصیت و گناه است و نهی از منکر یعنی بازداشتن از گناه.

ولسی تعریف جرجانی دلالت می‌کند به اینکه «منکر»، اعم از محرمات و مکروهات است و هر دو را شامل می‌گردد.

ریشه‌های فطری و غریزی

پدران و مادران در طول تاریخ، فرزندان خود را به کارهایی واداشته و از کارهایی نهی کرده‌اند. مسئله امر و نهی و تشویق و هشدار، ریشه در درون هر انسانی دارد و



مربوط به زمان و مکان و یا نژاد و منطقه خاصی نمی‌شود و هر مسئله‌ای این‌گونه فراگیر باشد، نشان از فطری بودن آن دارد.

هشدار و اخطار و فریاد در برابر خطرها و انحرافها، مخصوص انسان نیست.

در قرآن می‌خوانیم:

«سلیمان با لشکر خود حرکت می‌کرد تا به وادی مورچگان رسیدند، مورچه‌ای گفت: ای مورچگان! به خانه‌های خود بروید تا سلیمان و لشکریانش شما را ناآگاهانه پایمال نکنند.» (۲۵)

«و هنگامی که هدهد در پرواز خود از فضای کشور سبأ متوجه انحراف مردم شد و دریافت که مردم خورشید پرستند، نزد حضرت سلیمان آمد و از این انحراف شکایت کرد.» (۲۶)

بنابراین فریاد در برابر انحراف و دلسوزی برای دیگران، نه تنها مسئله‌ای فطری برای انسانهاست، بلکه ریشه‌ای غریزی در حیوانات نیز دارد. (۲۷)

دایره «امر به معروف» و «نهی از منکر»

این دو امر دایره وسیعی دارند و «معروف» تنها در محدوده عبادت و یا نیکی به مردم، خلاصه نمی‌شود. اسلام از باب اینکه نخواسته است موضوع «امر به معروف» و «نهی از منکر» را به امور معین محدود کند، از کلمه عام «معروف» یعنی هر کار خیر و نیک و نقطه مقابلش «منکر» هر کار زشتی استفاده کرده است. (۲۸)

پس «معروف» شامل همه واجبات و مستحبات می‌شود، البته امر به واجبات، واجب و امر به مستحبات، مستحب است. «منکر» نیز شامل همه افعال حرام و مکروه می‌شود با این بیان که نهی از محرمات واجب و نهی از مکروهات مستحب است.

اقسام و مراحل «امر به معروف» و «نهی از منکر»

«امر به معروف» و «نهی از منکر» از جهات و دیدگاه‌های مختلف، اقسام گوناگونی دارد و برخی از آن موارد عبارتند از:

۱) واجب و مستحب: چنانچه «معروفی» که ترک شده، واجب باشد، امر به آن «واجب» و اگر آن «معروف»، «مستحب» باشد، امر به آن «مستحب» خواهد بود و «منکر» اگر «حرام» باشد نهی از آن «واجب» و اگر آن مکروه باشد، نهی از آن «مستحب» خواهد بود. (۲۹)

۲) «امر به معروف» و «نهی از منکر» که به «حقوق الله» یا «حقوق الناس» یا «مشترک بین این دو» باشد.

در کتاب الاحکام السلطانیة، آمده است: «اما الامر بالمعروف فینقسم لثلاثة أقسامه، احدها، ما تعلق بحدود الله، الثاني، ما تعلق بحقوق الآدميين، الثالث، ماکان مشترکاً بینهما.» (۳۰)

آنچه مربوط به حدود الهی است، آنچه مخصوص حقوق مردم است، آنچه مشترک در بین حدود الهی و حقوق مردم است.

«نهی از منکر» نیز به همین سه قسم تقسیم می‌شود.

۳) «امر به معروف» و «نهی از منکر» اخلاقی: مقصود «معروفها» و «منکرهایی» است که جنبه اخلاقی دارند.

«امر به معروف» اخلاقی مانند توصیه و سفارش به «تهدیب نفس» و پالایش درون، محاسبه نفس و «نهی از منکر» اخلاقی، مانند نهی از غیبت، تهمت، سخن چینی، حرص، طمع، خودپسندی و غرور و غیره.

۴) «امر به معروف» و «نهی از منکر» فرهنگی: مقصود از کلمه «فرهنگی» معنای عام آن، یعنی مجموعه آداب، سنتها و افکار و روشهای آموزشی و تربیتی می‌باشد. (۳۱)

۵) «امر به معروف» و «نهی از منکر» اجتماعی.

۶) «امر به معروف» و «نهی از منکر» اداری.

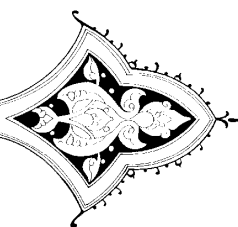
«امر به معروف» و «نهی از منکر» دو مرحله دارد: (۳۲)
۱) «مرحله فردی»: که هر کس موظف است به تنهایی ناظر اعمال دیگران باشد.

۲) «مرحله دسته جمعی»: امتی موظفند برای پایان دادن به نابسامانیهای اجتماع دست به دست هم بدهند و با یکدیگر تشریک مساعی کنند.

قسمت اول وظیفه عموم مردم است و چون جنبه فردی دارد طبعاً شعاع آن محدود به توانایی فرد است. اما قسمت دوم شکل واجب کفایی به خود می‌گیرد و چون جنبه دسته جمعی دارد و شعاع قدرت آن وسیع و طبعاً از شئون حکومت اسلامی محسوب می‌شود.

این دو شکل از مبارزه با فساد و دعوت به سوی حق از شاهکارهای قوانین اسلامی محسوب می‌گردد و مسئله تقسیم کار را در سازمان حکومت اسلامی و لزوم تشکیل یک «گروه نظارت» بر وضع اجتماعی و سازمانهای حکومت مشخص می‌سازد.

سابق بر این در ممالک اسلامی (و امروز در پاره‌ای از کشورهای اسلامی، مانند حجاز) تشکیلاتی مخصوص مبارزه با فساد و دعوت به انجام مسئولیتهای اجتماعی به



نام «اداره حسبه» (۳۳) و مأموران آن به نام «محتسب» و یا «آمرین به معروف» وجود داشته است که مأمور بودند با همکاری یکدیگر، با هرگونه فساد و زشت کاری در میان مردم و یا هرگونه ظلم و فساد در دستگاه حکومت مبارزه کنند و مردم را به کارهای نیک تشویق نمایند.

امر به معروف یک وظیفه عقلی یا تعبدی؟

۱) جمعی از دانشمندان اسلامی معتقدند که وجوب این دو وظیفه تنها با دلیل نقلی ثابت شده و عقل فرمان نمی‌دهد که انسان دیگری را از کار بدی که زیانش تنها متوجه خود اوست بازدارد.

۲) با توجه به پیوندهای اجتماعی و اینکه هیچ کار بدی در اجتماع انسانی در نقطه خاص محدود نمی‌شود بلکه هر چه باشد همانند آتشی ممکن است به نقاط دیگر سرایت کند، عقلی بودن این دو وظیفه مشخص می‌شود.

۳) در اجتماع چیزی به عنوان «ضرر فردی» وجود ندارد و هر زیان فردی امکان این را دارد که به صورت یک «زیان اجتماعی» درآید و به همین دلیل منطقی و عقل به افراد اجتماع اجازه می‌دهد که در پاک نگه داشتن محیط زیست خود از هرگونه تلاش و کوششی خودداری نکنند.

در بعضی از احادیث به این موضوع اشاره شده است.

از پیامبر اکرم (ص) چنین نقل شده که فرمودند:

«یک فرد گنهکار در میان مردم همانند کسی است که با جمعی سوار کشتی شود و به هنگامی که در وسط دریا قرار گیرد تبری برداشته و به سوراخ کردن موضعی که در آن نشسته است بپردازد و هرگاه به او اعتراض کنند، در جواب بگوید من در سهم خود تصرف کنم! اگر دیگران او را از این عمل خطرناک بازدارند، طولی نمی‌کشد که آب دریا به داخل کشتی نفوذ کرده و یکباره همگی در دریا غرق می‌شوند».

پیامبر اکرم (ص) با این مثال جالب، منطقی بودن وظیفه «امر به معروف» و «نهی از منکر» را مجسم ساخته و حق نظارت فرد بر اجتماع را یک «حق طبیعی» می‌داند. (۳۴)

«امر به معروف» و «نهی از منکر» واجب

کفای است یا عینی؟

از اینکه وجوب «امر به معروف» و «نهی از منکر» کفای است یا عینی، بین فقها محل بحث و گفتگو است و در این مورد سه نظر وجود دارد که عبارتند از:

۱) برخی مانند سید مرتضی، حلبی، قاضی، حلی، فاضل،

شهید اول و شهید ثانی، خواجه نصیرالدین طوسی در «تجربید» و محقق اردبیلی و محقق خراسانی، آن را «واجب کفایی» دانسته‌اند به این معنی که با قیام تعداد کافی نسبت به این امر، از بقیه ساقط می‌شود. (۳۵)

۲) برخی مانند شیخ طوسی و ابن حمزه و فخرالاسلام و شهید در «غایة المراد»، آن را واجب عینی دانسته‌اند. (۳۶)

۳) برخی مانند قاضی ابن سراج، مسئله را منوط به «اثرپذیری مخاطب» نموده‌اند و گفته‌اند در صورتی که کسی «امر به معروف» و «نهی از منکر» بکند و امر و نهی او اثر بگذارد (یعنی معروف انجام گردد و منکر ترک شود) در این فرض «واجب کفایی» است و وجوب آن از دیگران ساقط می‌شود. اما در جایی که فردی یا عده‌ای «امر به معروف» و «نهی از منکر» می‌نمایند و مؤثر واقع نگردد در این مورد، «واجب عینی» است یعنی بر هر یک از مکلفین واجب است که «امر به معروف» و «نهی از منکر» بکنند تا وقتی که معروف اقامه گردد و منکر ترک شود، که در این هنگام وجوب از همه ساقط می‌شود. (۳۷)

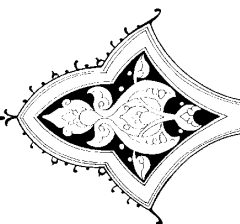
«امر به معروف» و «نهی از منکر» واجب توصّلی است یا تعبدی؟

مقصود از واجب توصّلی، واجبی است که غرض از آن، تحقق و انجام آن در خارج است و قصد قربت در صحت آن شرط نیست و منظور از واجب تعبدی واجبی است که مکلف آن را باید به قصد قربت الی الله انجام دهد تا امتثال صدق کند و از عهده او ساقط گردد.

«امر به معروف» و «نهی از منکر» را، واجب توصّلی دانسته‌اند و قصد قربت و اخلاص را در آن معتبر نکرده‌اند. (۳۸) بلکه غرض از آن را قطع فساد و منکر و اقامه واجبات شمرده‌اند، که این غرض که حاصل شد و قصد قربتی در کار نباشد، امتثال محقق گشته است. منتهی سزاوار است که مسلمان به همه کارهای خود رنگ عبادت بدهد و امور توصّلی را نیز به قصد قربت و اخلاص بجا آورد تا از آثار این اخلاص در دنیا و آخرت بهره‌مند گردد.

ابزار شناخت «امر به معروف» و «نهی از منکر»

برای شناخت «معروف» و «منکر» چند ابزار و وسیله وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:



۱) فطرت: خداوند ساختمان روحی انسان را به گونه‌ای آفریده است که او با «فطرت» خود «زشتی» و «زیبایی» و «خوبی» و «بدی» را تشخیص می‌دهد. در این مرحله «آگاهی» به وسیله القای علم از بیرون صورت نمی‌گیرد، بلکه این‌گونه شناختها از درون انسان می‌جوشد که در کلام الهی در آیات بسیاری از تجهیز انسان به الهامات فطری سخن گفته است.

«وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا، فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (۳۹)

در این آیه به روح انسان و اعتدال آن قسم می‌خورد؛ روحی که خداوند، زشتیها و پاکيها را به آن الهام کرده است.

۲) عقل: عقل نیز در وجود هر انسانی، روشنگر راه و هادی او به سوی کمال است و آدمی می‌تواند در پرتو هدایت این نعمت گرانبها، بسیاری از خوبیها و بدیها را بشناسد، از بدیها احتراز کند و به خوبیها گرایش یابد.

۳) شرع: شرع نیز در شناخت خوبی و بدی به کمک انسان می‌آید و هیچ‌کس در تشخیص خوب و بد کارها و ترسیم برنامه کلی برای زندگی، نمی‌تواند خود را بی‌نیاز از «دین» بداند زیرا:

الف) دین، ترسیم یک طرح کلی است که تمام مسائل زندگی شخص انسان را دربر می‌گیرد و منطبق بر مصالح زندگی بشر است.

ب) انسان موجودی اجتماعی است و زندگی اجتماعی، هزاران مسئله و مشکل برایش به وجود می‌آورد که باید همه آنها را حل و تکلیفش را در مقابل همه آنها روش کند.

ج) انسان زندگی جاوید دارد و نباید خوبیها و بدیها را تنها در دایره محدود زندگی دنیا در نظر بگیرد. بنابراین در قضاوت نسبت به زشتی و زیبایی هر کاری باید آثار آن را نسبت به روح جاودانه خود و زندگی بعد از مرگ نیز در نظر داشته باشد و روشن است که «عقل» نسبت به آن زندگی هیچ‌گونه تجربه‌ای ندارد. (۴۰)

۴) عرف و اجتماع: برای آنان که دارای موقعیت اجتماعی هستند، «معروف و منکر» علاوه بر معیارهای عقلی و شرعی، معیارهای اجتماعی و عرفی نیز دارد. افرادی که در جامعه به عنوان مظهر دین و منادی تقوا شناخته می‌شوند و همچنان کسانی که احترام و آبرویشان، به حیثیت نظام اسلامی پیوند خورده است، در رفتار خود باید علاوه بر دستورات کلی اسلام به «حفظ اعتقادات دینی» مردم نیز توجه داشته باشند.

شرایط وجوب «امر به معروف» و «نهی از منکر»

فقهای اسلام، (۴۱) وجوب «امر به معروف» و «نهی از منکر» را مشروط به چهار شرط دانسته‌اند که در صورت تحقق همه این شروط، «امر به معروف» و «نهی از منکر» واجب خواهد شد و در غیر این صورت وجوبی پیدا نمی‌کند. این چهار شرط عبارت است از:

۱) علم (آمر و ناهی) به «معروف» و «منکر» (۲) احتمال تأثیر امر و نهی (۳) اصرار بر استمرار گناه از سوی عاصی (۴) عدم ترتب مفسده بر امر و نهی. (۴۲)

مراتب «امر به معروف» و «نهی از منکر»

مراتب سه گانه «امر به معروف» و «نهی از منکر» عبارتند از:

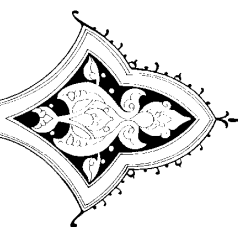
۱) اظهار رضایت یا تنفر قلبی: اصل احساس حسرت در قبال معروف و احساس نفرت با مشاهده منکر در قلب هر مسلمانی امری طبیعی است و باید باشد، لیکن اظهار این مسرت یا نفرت، اولین مرتبه «امر به معروف» و «نهی از منکر» است که برای این مرحله از «امر به معروف» برای برانگیختن دیگران و وادار کردن آنان به کار نیک با چهره‌ای بشاش و شاداب برخورد کند و در مقابل، ناهی از منکر نیز بایستی با مشاهده کسی که کار زشتی از او سرزده یا می‌زند، چهره درهم کشد و روی ترش کند که شخص و دیگران را بفهماند.

بنابراین برای این مرحله از نهی از منکر درجاتی هم ذکر شده که عبارتند از: چشم بستن، چهره درهم کشیدن، روی گرداندن، پشت کردن، دوری کردن و خارج شدن از مجلس گناه، ترک رفت و آمد و غیره. (۴۳)

۲) امر و نهی گفتاری: گفتار، ساده‌ترین وسیله القای پیام به مخاطب است و انسان بدین وسیله بهتر می‌تواند مخاطب را از منظور خویش آگاه سازد. گفتارها از نظر نرمی و شدت باهم متفاوتند لکن در اغلب موارد، سخنی که با نرمی و ملایمت گفته شود، نافذتر است و بهتر در قلب طرف می‌نشیند و اثر می‌گذارد که در قرآن نیز ذکر شده است. (۴۴)

و باید بیان داشت که گسترده‌ترین زمینه انجام «امر به معروف» و «نهی از منکر» نیز در همین مرحله است.

۳) اقدام عملی: پس از «امر به معروف» و «نهی از منکر» با زبان، نوبت به «امر به معروف» و «نهی از منکر» با «دست» می‌رسد. این تعبیر، کنایه از «اقدامات عملی و اعمال قدرت» (۴۵) برای اقامه معروف و انکار



منکر است.

برای نفوذ پند و حکمت مانده است، اثر مثبت و فراوانی به جا می‌نهد و اساساً این شیوه‌ای است که با فطرت الهی انسانها منطبق است.

قرآن کریم، خود به بهره‌گیری از روش «وعظ و پند» دستور داده است: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ...» (۴۸) «با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت (مردم را) دعوت کن».

شیوه نوشتاری: در برخی موارد می‌توان از «شیوه نوشتاری» در «امر به معروف» و «نهی از منکر» استفاده کرد و در مواردی نیز اثر بیشتر بر مخاطبین می‌گذارد. این شیوه راه‌های گوناگونی دارد که از این قرارند:

- ۱) از راه نوشتن مقالات در مجلات و روزنامه‌ها و ...
 - ۲) از راه تألیف کتابها.
 - ۳) از راه تذکرات و یادآوریها و نصب کردن در جاها و مکانهای مورد دید مخاطبین.
 - ۴) از راه نوشتن آیات یا روایات یا سخنان بزرگان دین، به تناسب موارد و در قطعه‌ها و اندازه‌های مختلف به صورت برجسته‌ها برای شیشه‌های مغازه‌ها و اتوبوسها و... یا آگهی و اعلامیه‌ها و نصب آن در مکانهای عمومی مانند سالنها، سازمانها و غیره.
- شیوه عملی: مقصود آن است که با عمل، مخاطب را به انجام معروف و ادا و از انجام عمل منکر بازدارد.

۲) شیوه هنری

منظور از شیوه هنری در «امر به معروف» و «نهی از منکر» آن است که در بسیاری موارد می‌توان با استفاده مثبت از هنر، ارزشهای الهی را تبلیغ کرد و راه‌ها و روشهای منکر در زندگی را به مخاطبین یادآور شد. مثلاً می‌توان از راه ساختن فیلمهای تلویزیونی و سینمایی یا تئاتر و نمایشها و غیره این کار را انجام داد.

خطاطی و نقاشی نیز از دیگر ابزار هنری است که می‌تواند در این زمینه به کار گرفته شود و پیام رسان خوبی برای مخاطبین باشد.

شعر و صدای زیبا هم می‌تواند در جهت گسترش «معروف» و مبارزه با «منکر» به کار رود.

۳) شیوه ارائه «جایگزینها»

با ایجاد مراکز فرهنگی، هنری و تفریحی که برای اوقات فراغت جوانان برنامه‌های صحیحی داشته باشد، به طور قطع و یقین، بسیاری از منکرات و مفسد کاهش می‌یابد

شیوه‌های «امر به معروف» و «نهی از منکر»

شیوه‌های «امر به معروف» و «نهی از منکر» را بنا به ملاحظات گوناگون، می‌توان به اقسامی (۴۶) تقسیم کرد که برخی از آن موارد عبارتند از:

۱) شیوه گفتاری، نوشتاری، عملی

شیوه گفتاری: مقصود آن است که با گفتار و سخن گفتن با مخاطب او را متوجه نماید که وظیفه دارد معروف را انجام و عمل منکر را ترک نماید.

الف) از جمله، گفتار و سخن «نرم و ملایم» استفاده شود.

از امام علی (ع) روایت شده است که فرمودند:

«من حسن کلامه کان النجح امامه» «هر کس نیکو کلام باشد، موفقیت و پیروزی در پیش روی اوست».

ب) مخاطب یا مخاطبین را از خود بدانند.

لحن کلام «امر به معروف» و «نهی از منکر» باید به گونه‌ای باشد که در مخاطب این احساس پدید آید که گوینده سخن او را از خویش دانسته و آنچه را بر خود نمی‌پسندد بر او نیز نپسندیده است که این نحوه برخورد، اثر تربیتی فراوانی به‌جا می‌گذارد که در گفتار انبیای الهی و نیز ائمه معصومین (ع) و پیشوایان دین این روش مشهود است.

حضرت لقمان (ع) آنجا که فرزندش را به ارزشهای الهی توجه می‌دهد و او را از منکرات برحذر می‌دارد، از لفظ و تعبیر «یا بنی» استفاده کرده است.

«...يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ...»

«يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» «پیامبران الهی در برخورد با مردم نمی‌گفتند ای مردم چنین و چنان کنید بلکه از تعبیر «یا قوم» و «یا قومی»:

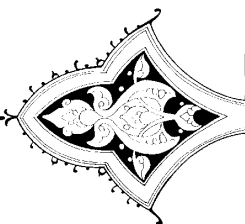
ای مردم من، ای قوم من، استفاده می‌کردند» (۴۷)

ج) «پند آمیز» باشد.

گفتاری که پند آمیز باشد، در جان و روح آنان که جایی



امر به معروف و نهی از منکر



و علاوه بر ایجاد چنین مراکزی، نکته مهم اینکه مدیریتی دلسوز، مؤمن و کاردان با برنامه‌هایی متنوع و مشروع، اداره آن را به عهده بگیرد تا بتواند از آن در جهت احیای ارزشهای اسلامی گام بردارد.

۴) شیوه «مستقیم» و «غیر مستقیم»

گاه، «امر به معروف» و «نهی از منکر» اثر می‌بخشد که مستقیم با مخاطب گفتگو شود، اما مواردی نیز هستند که شرایط زمانی یا مکانی یا اشخاص مورد خطاب اقتضا نمی‌کند، مخاطب به طور مستقیم «امر» و «نهی» شود و شاید اثر منفی داشته‌باد. بنابراین در این گونه موارد باید از «شیوه خطاب» و «غیر مستقیم» استفاده کرد.

۵) «شیوه فردی» و «جمعی»

«شیوه فردی» در «امر به معروف» و «نهی از منکر» این است که در مواردی که تشخیص می‌دهید تنها تذکر و یادآوری شما، تأثیر می‌کند، خود به تنهایی اقدام کنید و گرنه از «شیوه جمعی» استفاده کنند به گونه‌ای که تعدادی با هم موردی را به دیگری یا دیگران تذکر دهند و یا اینکه تک تک افراد بروند و تذکر بدهند.

۶) شیوه «تدریج، تکرار و تداوم»

الف) شیوه «تدریج»: در برخی از موارد و اشخاص، باید در «امر به معروف» و «نهی از منکر» از شیوه «تدریجی فراخوانی» استفاده نمود و این خود وجهی از منطقی بودن و مرتبه‌ای از «کاربرد منطقی» در «امر به معروف» و «نهی از منکر» است یعنی در مسائلی که به اقتضای شرایط زمانی یا فردی لازم است برای تأثیرگذاری در مخاطب به «تدریج» پیش رویم باید از این شیوه استفاده کنیم.

ب) شیوه «تکرار»: در مواردی ممکن است با یک بار تذکر و یادآوری، اثری در مخاطب ایجاد نشود و به معروف روی نیاورد و یا از منکر دست بردارد. ولی با چند بار تکرار امکان تأثیرگذاری وجود دارد که باید از این روش استفاده کرد.

ج) شیوه «تداوم»: مقصود از تداوم این است که اگر امر و ناهمی بدانند که با یک مرتبه یا حتی چند بار (تکرار) تأثیری در مخاطب پدید نمی‌آید ولی چنانچه به شکل مستمر به وظیفه امر و نهی ادامه دهد اثر خواهد گذاشت، لازم است این شیوه (استمرار و تداوم) را به کار برد تا به هدف برسد.

«وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ...» (۴۹) «اهل خود

را پیوسته (به طور مستمر) به نماز و زکات امر می‌کرد و فرمان می‌داد».

جایگاه «امر به معروف» و «نهی از منکر» در آیات قرآن

۱) «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۵۰) «باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنها رستگارانند».

«امت» به جماعتی که جنبه وحدتی در میان آنها باشد گفته می‌شود؛ خواه وحدت از نظر زمان یا مکان باشد و یا از نظر هدف و مرام باشد. بنابراین به اشخاص منصرف و پراکنده، «امت» گفته نمی‌شود.

در این آیه اشاره به مسئله «امر به معروف» و «نهی از منکر» شده که در حقیقت به منزله یک پوشش اجتماعی برای محافظت جمعیت است، زیرا اگر مسئله فوق نباشد عوامل مختلفی باعث می‌شود که وحدت اجتماعی از بین برود. بنابراین وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست.

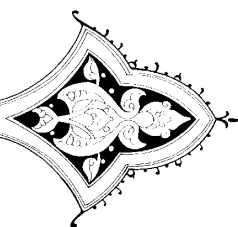
همواره در میان مسلمانان باید امتی باشند که این دو وظیفه بزرگ اجتماعی را انجام دهند که ۱. مردم را به نیکیها دعوت کنند و ۲. از بدیها بازدارند که در آخر آیه ذکر شده است که فلاح و رستگاری تنها از این راه ممکن است. (۵۱)

۲) «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...» (۵۲) «شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شدید (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید».

در این آیه بار دیگر مسئله ۱. امر به معروف ۲. نهی از منکر ۳. ایمان به خدا مطرح شده است.

در این آیه مسلمانان به عنوان بهترین «امتی» معرفی شده که برای خدمت به جامعه انسانی بسیج گردیده است. دلیل اینکه بهترین امت بودن مسلمانان بهترین امت هستند این ذکر شده که «امر به معروف» و «نهی از منکر» می‌کنند و به خدا ایمان دارند و این می‌رساند که اصلاح جامعه بشری بدون ایمان و دعوت به حق و مبارزه با فساد امکان ندارد و حتماً از آن استفاده می‌شود که این دو وظیفه بزرگ با وسعتی که در اسلام دارد در آیینهای پیشین نبوده است اما چرا این «امت» بهترین امتها باید باشد.

جواب: زیرا آنها دارای آخرین دین آسمانی هستند و



آخرین دین روی حساب تکامل، کامل‌ترین آنهاست. دو نکته: ۱. کلمه «کنتم»؛ «بودید» به صورت فعل ماضی ذکر شده. بین مفسران احتمالات زیادی است ولی بیشتر به نظر می‌رسد که تعبیر به فعل ماضی برای تأکید است و نظیر آن در قرآن فراوان است که موضوعات مسلم در شکل ماضی ذکر می‌شود و آن را یک واقعیت انجام یافته معرفی می‌کند ۲. در این آیه، «امر به معروف» و «نهی از منکر» بر «ایمان به خدا» مقدم شده است و این نشانه اهمیت و عظمت این دو فریضه بزرگ الهی است و علاوه بر آن انجام این دو فریضه ضامن گسترش ایمان و اجرای همه قوانین فردی و اجتماعی می‌باشد و ضامن اجرا بر خود قانون مقدم است و اگر این دو وظیفه اجرا نگردد، ریشه‌های ایمان در دلها نیز سست و پایه‌های آن فرومی‌ریزد و همین جهات بر اعیان، مقدم داشته شده است. (۵۳)

۳) «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ» (۵۴) «ایمان به خدا و روز قیامت می‌آورند و امر به خوبیها و نهی از بدیها می‌کنند و در نیکوکاری می‌شتابند».

۴) «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (۵۵) «انها که از فرستاده (خدا) پیامبر «امی» پیروی می‌کنند کسی که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزدشان است می‌یابند و آنها را به معروف دستور می‌دهد و از منکر باز می‌دارد».

این آیه در حقیقت مکمل آیه قبل است که درباره صفات کسانی است که مشمول رحمت خداوند هستند. یعنی پس از ذکر صفات سه‌گانه ۱. تقوی ۲. ادای زکات ۳. ایمان به آیات پروردگار، در این آیه صفات دیگری به عنوان توضیح برای آنها ذکر می‌کند ۴. و آن پیروی از پیامبر اسلام (ص) است، زیرا ایمان به خداوند از ایمان به پیامبر اکرم (ص) و پیروی از مکتبش جدایی ناپذیر است و تقوا و زکات نیز بدون پیروی از رهبری او تکمیل نمی‌شود. بنابراین می‌فرماید: «کسانی مشمول این رحمت می‌شوند که از فرستاده خداوند پیروی کنند».

۵) «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (۵۶) «ای رسول خدا! با آنها مدار کن و عذرشان را بپذیر و به نیکبها دعوت نما و از جاهلان روی بگردان و با آنها ستیزه مکن».

در آیه مورد بحث، اشاره به سه قسمت از وظایف رهبران

و مبلغان به صورت خطاب به پیامبر اکرم (ص) شده است. در آغاز می‌فرماید: ۱. در طرز رفتار با مردم سختگیر مباش و با آنها مدار کن ۲. عذرشان را بپذیر ۳. و سپس از آنچه قدرت دارند از آنها بخواه.

«عفو» گاهی به معنی مقدار اضافی چیزی آمده و گاهی به معنی حد وسط و میانه و گاه به معنی قبول عذر خطاکار و بخشیدن او و گاه به معنی آسان گرفتن کارهاست. مفهوم مناسب، همان «آسان گرفتن» و «گذشت» و «انتخاب حد وسط و میانه» (۵۷) است.

پس دومین دستور این است که «مردم را به کارهای نیک و آنچه را عقل و خرد، شایسته می‌شناسد و خداوند آن را نیک معرفی کرده، دستور ده».

و مرحله سوم دستور به تحمل و بردباری در برابر جاهلان است.

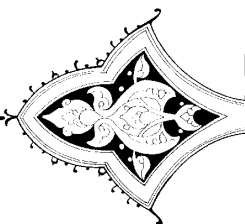
۶) «يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (۵۸) «پسرم! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصائبی که به تو می‌رسد با استقامت و شکیبا باش که این از کارهای مهم و اساسی است».

حضرت لقمان (ع) در درجه اول به ۱. نماز را برپا داشتن توصیه می‌کند. زیرا که نماز مهم‌ترین پیوند با خالق است. نماز قلب را بیدار و روح را مصفی و زندگی را روشن می‌سازد و آثار گناه را از جان انسان می‌شوید و نور ایمان را در سرای قلب پرتو افکن می‌کند و از فحشا و منکرات بازمی‌دارد ۲. مهم‌ترین دستور اجتماعی یعنی «امر به معروف» و ۳. «نهی از منکر».

و بعد از این سه دستور مهم عملی به مسئله صبر و استقامت که در برابر ایمان همچون سر نسبت به تن است اشاره می‌کند.

«عزم» به معنی اراده محکم می‌باشد. «عزم الامور» در اینجا به معنی کارهایی است که دستور مؤکد از سوی پروردگار به آن داده شده است و یا کارهایی که انسان باید نسبت به آن عزم آهنین و تصمیم راسخ داشته باشد و هر کدام از این دو معنی باشد، اشاره به اهمیت آن است. (۵۹)

«ذلک»، اشاره به «صبر و شکیبایی» است و این احتمال نیز وجود دارد که به همه اموری که در آیه فوق ذکر شده، از جمله «نماز»، «امر به معروف» و «نهی از منکر» بازگردد. ولی در بعضی دیگر از آیات قرآن این تعبیر بعد از مسئله «صبر» مطرح شده که احتمال اول را تقویت می‌کند. (۶۰)



۷) «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛ (۶۲) «یاران خدا کسانی هستند که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم نماز را برپا می‌دارند و زکات را ادا می‌کنند و امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایند و پایان همه کارها از آن خداست».

شرح: یاران خداوند کسانی هستند که ارتباطشان با خدا محکم و با خلق خدا نیز مستحکم است چرا که «صلوة» سمبل پیوند با خالق است و «زکات» رمزی برای پیوند با خلق و «امر به معروف» و «نهی از منکر» پایه‌های اساسی ساختن یک جامعه سالم محسوب می‌شوند. همین چهار صفت برای معرفی این افراد کافی است و در سایه آن سایر عبادات و اعمال صالح و ویژگی‌های یک جامعه با ایمان و پیشرفته فراهم است. (۶۲)

۸) «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»؛ (۶۳) «مؤمنان کسانی هستند که) توبه کنندگانند و عبادتکاران و سپاس‌گویان و سیاحت کنندگان و رکوع کنندگان و سجده‌آوران و آمران به معروف و نهی کنندگان از منکر و حافظان حدود (مرزهای) الهی و بشارت‌دهنده به این چنین مؤمنان».

۹) «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ (۶۴) «مردان و زنان با ایمان ولی (و یار و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌نمایند؛ خداوند به زودی آنها را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد خداوند توانا و حکیم است».

شرح: در آیه مورد بحث، علائم و نشانه‌های مردان و زنان با ایمان بیان شده است که آن هم در پنج قسمت خلاصه می‌شود که درست نقطه مقابل یکایک صفات منافقان است.

و در آخر آیه اشاره به امتیاز مؤمنان از نظر نتیجه و پاداش کرده می‌فرماید: «أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ»؛ «خداوند آنها را به زودی مشمول رحمت خویش می‌گرداند».

۱۰) «الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ...»؛ (۶۵) «مردان و زنان منافق همه از یک گروهند، آنها امر به منکر و نهی از

معروف می‌کنند».

شرح: این آیه درست بر عکس برنامه مؤمنان راستین که دائم از طریق «امر به معروف» و «نهی از منکر» در اصلاح جامعه و پیراستن آن از آلودگی و فساد کوشش دارند، منافقان پیوسته سعی می‌کنند که فساد همه جا را بگیرد و معروف و نیکی از جامعه برچیده شود، تا بهتر بتوانند در چنان محیط آلوده‌ای به اهداف شومشان برسند. (۶۶)

آیه به شش اصل مهم که سه اصل، جنبه مثبت و سه اصل جنبه منفی دارد، اشاره کرده است.

۱. از فحشا ۲. منکر ۳. ظلم و ستم نهی می‌کند.

پیرامون این تعییرات سه‌گانه «فحشا»، «منکر» و «بغی» نیز مفسران سخن بسیار گفته‌اند اما آنچه مناسب‌تر، یعنی لغوی و قرینه‌ی مقابله این صفات با یکدیگر به نظر می‌رسد:

«فحشاء» آن است که اشاره به گناهان پنهانی دارد.

«منکر» آن است که اشاره به گناهان آشکار دارد.

«بغی» هرگونه تجاوز از حق خویش و ظلم و خود برتر بینی نسبت به دیگران است.

بعضی از مفسران گفته‌اند: (۶۷)

سرچشمه انحرافات اخلاقی، سه قوه است:

۱. قوه شهوانی: انسان را به لذت‌گیری هرچه بیشتر می‌خواند و غرق در «فحشاء» و زشتیها می‌کند.

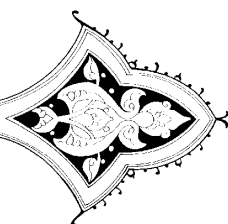
۲. قوه غضبیه: انسان را به انجام «منکرات» و آزار مردم وامی‌دارد.

۳. قوه وهمیه شیطانیه: حس برتری طلبی و ریاست خواهی و انحصار جویی و «تجاوز به حقوق دیگران» را در انسان زنده می‌کند و او را به این اعمال وامی‌دارد.

خداوند با تفسیرهای سه‌گانه فوق نسبت به طغیان این غرایز، هشدار داده و با یک بیان جامع که انحرافات اخلاقی را دربر می‌گیرد به راه حق، هدایت نموده است.

۱۱) «كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»؛ (۶۸) «آنها از اعمال زشتی که انجام می‌دادند یکدیگر را نهی نمی‌کردند چه بد کاری انجام می‌دادند».

شرح: در آیه قبل بیان می‌کند که برای اینکه از تقلیدهای کورکورانه اهل کتاب از پیشینیانشان جلوگیری کند اشاره به سرنوشت آنها کرده و می‌گوید: «کافران از بنی اسرائیل به زبان داود و عیسی بن مریم (ع) لعن شدند و این دو پیامبر بزرگ از خدا خواستند که آنها را از رحمت خویش



دور سازد. این اعلام تنفر به خاطر آن بود که آنها گناهکار و متجاوز بودند.»
و علاوه آنها به هیچ وجه مسئولیت اجتماعی برای خود قائل نبودند و یکدیگر را از کار خلاف نهی نمی کردند.
جمعی از نیکان آنها با سکوت و سازشکاری، افراد گناهکار را عملاً تشویق می کردند. بنابراین برنامه اعمال آنها بسیار زشت و ناپسند بود. (۶۹)

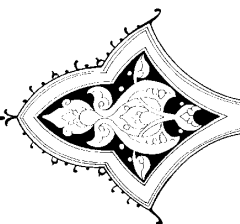
منافعی که از آنان می بردند، نهی از منکر نمی کردند (تا منافعشان به خطر نیفتد و یا خطری متوجه آنان نشود) خداوند از آنان به بدی یاد کرده است. (۷۰)

نتیجه گیری

«امر به معروف» نشانه عشق به مکتب، عشق به مردم، علاقه به سلامتی جامعه و نشانه آزادی بیان، غیرت دینی، ارتباط دوستانه بین مردم و نشانه فطرت بیدار و نظارت عمومی و حضور در صحنه است.

پی نوشتها

۱. آل عمران، ۱۱۰.
۲. آل عمران، ۱۱۰.
۳. برای اطلاع بیشتر بنگرید: پژوهشی در امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن و روایات، ص ۵۹؛ حماسه حسینی، ج ۲.
۴. امر به معروف و نهی از منکر.
۵. در «الموسوعة العربية المیسره» وجود این تشکیلات را عصر عباسیان می داند (پژوهشی در امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن و روایات، ص ۶۰).
۶. ده گفتار، ص ۷۶.
۷. آل عمران، ۱۵۹.
۸. بقره، ۲۱۰.
۹. اعراف، ۲۹.
۱۰. یوسف، ۴۰.
۱۱. نساء، ۵۸.
۱۲. النهی: مصور عند النجاه: طلب ترک الفعل دهر قول القائل لمن دونه لاتفعل و اداته و لا و تسمى الناهیه (قرب الموارد فی فصیح العربیه الشوارد، ج ۲، ص ۱۳۵۵؛ المنجد الطلاب، ص ۶۱۶).
۱۳. نازعات، ۴۱-۴۰.
۱۴. عنکبوت، ۴۵.
۱۵. مائده، ۷۹.
۱۶. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷؛ امر به معروف و نهی از منکر، ص ۱۴.
۱۷. امر به معروف و نهی از منکر، صص ۱۴ و ۳۵؛ پژوهشی در امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن و روایات، ص ۱۴.
۱۸. امر به معروف و نهی از منکر، ص ۳۵.
۱۹. همان، ص ۳۶.
۲۰. همان، ص ۱۵.
۲۱. همان.
۲۲. برای اطلاع بیشتر بنگرید: الروضة البهیة من شرح اللمعه، کتاب الامر بالمعروف.
۲۳. المرآشد: مقاصد الطرق و ما استقام منها و لا واحد لها کمحاسن و ملامح (المنجد).
۲۴. پژوهشی در امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن و روایات، ص ۱۵.
۲۵. نمل، ۱۸.
۲۶. نمل، ۲۴.
۲۷. ده درس پیرامون امر به معروف و نهی از منکر، ص ۱۶.
۲۸. امر به معروف و نهی از منکر، ص ۳۵؛ حماسه حسینی، ج ۲، ص ۷۵.
۲۹. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۵۲.
۳۰. پژوهشی در امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن و روایات، ص ۲۲۱.
۳۱. برای اطلاع بیشتر بنگرید: پژوهشی در امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن و روایات، صص ۲۲۴-۲۲۷.
۳۲. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۶.
۳۳. برای اطلاع بیشتر بنگرید: حسب یک نهاد حکومتی، ص ۸۶.
۳۴. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۸.
۳۵. پژوهشی در امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن و روایات، ص ۲۵۰.
۳۶. همان، ص ۲۵۰.
۳۷. همان.
۳۸. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۵۴.
۳۹. شمس، ۸ و ۷.
۴۰. امر به معروف و نهی از منکر، ص ۴۱؛ جهان بینی



- اسلامی، صص ۴۳-۴۷.
۴۱. مختصر النافع (محقق حلی)، قواعد الاحکام (علامه حلی)، شرایع الاسلام، الوسيله (ابن حمزه)، جواهر الکلام (نجفی)، جامع المدارک (سید احمد خوانساری)، تحرير الوسيله (امام خمینی) و....
۴۲. ده گفتار، ص ۷۴.
۴۳. پژوهشی در امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن و روایات، ص ۲۶۱.
۴۴. طه، ۴۳ و ۴۴.
۴۵. برای اطلاع بیشتر بنگرید: امر به معروف و نهی از منکر، صص ۶۷-۷۱؛ تحرير الوسيله، باب امر به معروف و نهی از منکر.
۴۶. برای اطلاع بیشتر بنگرید: تحلیلی نو و عملی از امر به معروف و نهی از منکر، صص ۸۸-۱۱۳.
۴۷. برای نمونه به آیات مائده، ۲۰ و ۲۱؛ اعراف، ۲۸-۹۳ و سوره هود مراجعه کنید.
۴۸. نحل، ۱۲۵.
۴۹. مریم، ۵۵.
۵۰. آل عمران، ۱۰۴.
۵۱. برای اطلاع بیشتر بنگرید: تفسیر نور، ج ۲، ص ۱۲۵.
۵۲. آل عمران، ۱۱۰.
۵۳. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۸؛ وحی و نبوت، ص ۱۲۲.
۵۴. آل عمران، ۱۱۴.
۵۵. اعراف، ۱۵۷.
۵۶. اعراف، ۱۹۹.
۵۷. برای توضیح بیشتر درباره معنی «عفو» بنگرید: تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۸۰.
۵۸. لقمان، ۱۷.
۵۹. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۵۳؛ تفسیر نور، ج ۹، ص ۲۶.
۶۰. همان، ص ۵.
۶۱. حج، ۴۱.
۶۲. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۱۷؛ تفسیر نور، ج ۸، ص ۵۰.
۶۳. توبه، ۱۱۲.
۶۴. توبه، ۷۱.
۶۵. توبه، ۶۷.
۶۶. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۱.
۶۷. همان، ج ۱۱، ص ۳۷.
۶۸. مائده، ۷۹.
۶۹. برای اطلاع بیشتر بنگرید: تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۴۳.
۷۰. تفسیر نور، ج ۳، ص ۴۳.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. اکبری، محمدرضا، تحلیلی نو و عملی از امر به معروف و نهی از منکر در عصر حاضر، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۳. بندرریگی، محمد، فرهنگ جدید (عربی-فارسی) ترجمه منجد الطلاب، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۸ ش.
۴. خمینی، روح الله، تحرير الوسيله (ج ۲)، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، انتشارات دارالعلم، چاپ پنجم، ۱۳۷۶ ش.
۵. خرمی مشکانی، ابراهیم، امر به معروف و نهی از منکر، انتشارات مرسل، چاپ سوم، ۱۳۵۸ ش.
۶. صرامی، سیف الله، حسیبه یک نهاد حکومتی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۷. الخوری الشرتونی اللبناني، سعید، اقرب الموارد فی فصح العربیة و الشوارد (ج ۲)، بیروت، مطبعة مرسلی الیسوعیه، بی تا.
۸. عبدالباقی، محمدفؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، مطبعة دارالکتب المصریه، بی تا.
۹. قرآنی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۵ ش.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه.
۱۱. محمدی، رضا، فهرست موضوعی تفسیر نمونه (ج ۲۸)، زیر نظر آیت الله مکارم شیرازی، قم، مدرسه الإمام امیرالمؤمنین (ع).
۱۲. مطهری، مرتضی، ده گفتار، تهران، انتشارات صدرا، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۶ ش.
۱۳. مطهری، مرتضی، مقدمه بر جهان بینی اسلامی (ج ۳) وحی و نبوت، تهران، انتشارات صدرا، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۵ ش.
۱۴. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی (ج ۲)، تهران، انتشارات صدرا، چاپ اول.
۱۵. مسعودی، محمداسحاق، پژوهشی در امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن و روایات، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۸۴ ش.

